

جایگاه و نقش ابتلاء در سلوک اخلاقی و سعادت انسان

رقیه جعفرپور*

چکیده

یکی از محوری ترین مباحث قرآنی، بحث ابتلاء و امتحان است که اطلاع و آگاهی از ابعاد مختلف آن تاثیر غیرقابل انکاری در سلوک اخلاقی و سعادت بشر دارد. این نوشتار پس از مفهوم شناسی واژه های، ابتلاء، فتنه، امتحان و تمحیص، به این نکته می پردازد که فلسفه آزمایش الهی به تکامل رسیدن انسان، رحمت الهی و برگشت انسان به سوی خداست. و رابطه ابتلاء با اختیار انسان را به این صورت بیان می کند که؛ هر فردی باید خودش بخواهد به کمال برسد تا، بتواند راه سعادت را بییماید. سپس نحوه مواجه انسان با ابتلائات برای نیل به سلوک اخلاقی و سعادت انسانی یعنی صبر و استقامت، تسلیم و رضا را بیان کرده و تاکید می کند که در آزمایش و ابتلاء آثار تربیتی بسیاری از قبیل: تطهیر از گناه، بروز و فعلیت استعدادها، بیدارگری، هدایتگری وجود دارد. و سپس با روش کتابخانه ای و تکیه بر آیات و روایات و دیدگاه مفسران، نقش ابتلاء در سیر و سلوک انسان به سوی خدا مورد پژوهش قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: ابتلاء، امتحان، انسان، سعادت، سلوک اخلاقی

مقدمه

شداید و گرفتاری ها، ضمن آن که جنبه آزمایش و امتحان دارد و به وسیله آن ایمان و صبر مردم آزموده می شود، از نظر بررسی علل و منشأ، به خود انسان برمی گردد. ازمون دینی استفاده می شود که رفتار انسان در برخورداری از نعمت و مبتلا شدن به نعمت الهی در تربیت انسانی موثر است. زیرا سختی و گرفتاری، تربیت کننده ی فرد و هم بیدار کننده ی ملت ها و هم تحریک کننده ی عزم ها و اراده ها است. زیرا خاصیت حیات این است که در برابر سختی ها مقاومت کند و به طور خودآگاه و یا ناخودآگاه آماده ی مقابله با آن گردد. سختی هم چون کیمیا، جان و روان آدمی را عوض می کند. بنابراین اگر درست به بلا آزمایش نگریسته شود، آشکار خواهد شد که سختی ها و بلاها نقش تربیتی و بیدارگری دارند. در این بین هر چه بر مقاومت انسان افزوده شود، بر تکامل او افزوده می گردد و رفته رفته نبوغ و استعدادهای نهفته او را شکفته تر می گرداند در قرآن هم به این حقیقت - اثر تربیتی بلا- اشاره شده است. خداوند به این نکته اشاره می کند که سختی ها و گرفتاری ها، مقدمه کمال و پیشرفت انسان است و باعث نیرو گرفتن او می شوند و از این جهت مصیبت ها و سختی ها برای تکامل بشر ضرورت دارند و گویای نقش مهمشان در ساخته شدن انسان و تکامل او هستند، و الا اگر جز این بود، خداوندی که سرچشمه ی رأفت و رحمت است و سعادت و خیر بنده ی خود را می خواهد، او را قرین رنج و زحمت نمی کرد. آدمی باید مشقت ها را تحمل کند و سختی ها بکشد تا هستی لایق خود را بیابد، چرا که تضاد و کشمکش وسیله تکامل است. موجودات زنده به این وسیله راه خود را به سوی کمال می پیمایند. این قانون در جهان نباتات، حیوانات و بالاخص انسان صادق است.

۱- مفهوم شناسی واژه ابتلاء

برای واژه ابتلاء تعابیر مختلفی در کتب لغوی ذکر کرده اند از جمله: به معنای خبر گرفتن، تحصیل اطلاع نافذ(مصطفوی، ۱۳۸۵، ج ۹، ص ۲۳) و ایجاد تحول و دگرگونی برای تحصیل نتیجه مطلوب(همان، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۶۲). گاهی نیز به معنای اختبار می باشد، اُبلیت فلاناً یعنی اختبرته، او را آزمودم. این ابتلاء متضمن دو امر است اول: شناساندن حال فرد به خودش و آگاهی بر آنچه را که نمی داند و برایش مجهول است. دوم: ظهور و نمایاندن خوبی یا بدی و یا نیکوکاری و زشتکاریش.(راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۱، صص ۳۱۲-۳۰۹) ابتلاء به مهنای پوسیده و کهنه شدن نیز آمده است.(فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ذیل واژه ابتلاء) یکی دیگر از معانی ابتلاء، آشکار ساختن باطن فرد است.(الطریحی، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۴۱۷). با توجه به معانی که برای واژه ابتلاء بیان شد، می توان وجه جامع ابتلاء را ایجاد تغییر و تحول در انسان دانست.

در اصطلاح نیز ابتلاء یعنی: نقل چیزی از وضع و حالی به وضع و حال دیگر.(طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۱۳۲). بهترین تعریف برای ابتلاء را می توان آزمایش و امتحان دانست چرا که ابتلاء ابزاریست که بدان واسطه، سره از ناسره تمییز داده می شود، و همچنین به معنای «آشکار سازی مقدرات انسان و بروز دادن دارایی های بالقوه با نشانه های ظهور بخش و حوادث و تکالیف فعلیت بخش به قصد ترتب ثواب و عقاب می باشد(مکارم الشیرازی، ۱۳۷۲، ص ۲۶۴) و یا «شکوفاسازی استعداد های بالقوه سعادت ساز یا شقاوت بار انسان به کمک اوامر و نواهی الهی و حوادث فردی و اجتماعی (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۳۶). طبق این تعاریف ابتلاء یعنی چیزی یا کسی را در معرض آزمایش قرار دادن به منظور، بروز و ظهور استعداد های بالقوه ای که در وجود آنها قرار دارد.

برای واژه ابتلاء کلمات مترادف یا قریب المعنای متعددی وجود دارد از قبیل: فتنه، امتحان و تمحیص که در قرآن نیز به کار رفته اند. فتنه شدیدترین نوع امتحان است و در اصل به معنای این است که، طلا را در آتش بیندازند تا خوبی و بدی جنس آن مشخص شود و لازمه آن این است که، تغییر ماهوی حاصل شود، به نحوی که عناصر بیگانه از آن جدا شود و باعث تغییر آن گردد.(طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۷، ص ۱۷۶) امتحان، از ماده محن به معنی خبره و خبره بودن است. (مصطفوی، ۱۳۸۵، ذیل واژه ابتلاء) و تمحیص که، به معنای خالص کردن چیزی است از آمیختگی و ناخالصیهایی که از خارج داخل آن چیز شده است.(طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۴،

ص ۴۳) به نظر می رسد همه این معانی یک وجه اشتراک با هم دارند، و آن خالص کردن چیزی یا فردی برای ایجاد تغییر و تحول در آن است.

۲- فلسفه ابتلاء در قرآن

ابتلاء و امتحان الهی یکی از قدیمی ترین مباحثی است که فکر بشر را به خود مشغول داشته و از ابعاد گوناگون به بحث پیرامون علت، فلسفه وجودی و ماهیت آن پرداخته و پاسخ های مختلفی هم در این باب ارائه کرده است. از قبیل تکامل انسان، تمییز سره از ناسره، کشف موقعیت و استعداد و بسیاری موارد دیگر که در این مقاله، فقط به جنبه تکاملی، رحمت الهی ابتلاء پرداخته می شود. انسان برای تکامل آفریده شده و یکی از راه های رسیدن انسان به این مرتبه، قرار گرفتن در بوته آزمایش و سختی هاست تا هستی لایق خود را بیابد. چنانچه قرآن کریم در آیه ۴ از سوره بلد می فرماید: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ» (انسان را در رنج و سختی آفریدیم)، چرا که سختی ها و شدائد برای تکامل همه موجودات و بالاخص انسان ها است (قمی، ۱۳۶۷ ش، ج ۲، ص ۴۲۲). در جای دیگر در مورد فلسفه ابتلاء چنین گفته اند: همان گونه که سنگ طلا، تا در کوره آتش قرار نگیرد و ذوب نشود و ناپاکی ها از آن زدوده نگردد، خالص، ناب و شفاف نمی شود و ارزش حقیقی خود را پیدا نمی کند، انسان هم تا گرفتار کوره حوادث نشود، به تکامل نمی رسد و شایسته تاج کرامت بنی آدم نمیگردد، و این خداوند است که چنین وسیله ای را در اختیار انسان قرار داده و خود نیز ناظر بر آن است تا به بهترین شکل طی شود (مکارم شیرازی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۵۲۷) شهید مطهری نیز در این باره می فرماید: «امتحان های الهی برای این جهت است که انسان در خلال آن گرفتاری ها، کمال یابد» (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۷، ص ۱۸۳). زندگی سراسر رنج و مشقت پیامبران بزرگ الهی، گویای این حقیقت است که آدمی تا دچار ابتلاء نگردد زمینه طی کردن مراحل تکامل را بدست نمی آورد و شایستگی مقام قرب الهی را پیدا نمی کند، در قرآن کریم نیز به این امر مهم اشاره شده است آنجا که می فرماید: «وَ إِذْ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» (هنگامی که خداوند ابراهیم را به وسیله وسایل و مسائل مختلف آزمود و او به خوبی از عهده آزمایش برآمد، خداوند به او فرمود: من تو را امام و رهبر مردم قرار دادم). (بقره / ۱۲۴) مفسران درباره این آیه گفته اند پس از آنکه خداوند حضرت ابراهیم (ع)

را به کلمات که وظایف مشکلی همچون شکستن بت ها و قرار گرفتن در دل آتش، مهاجرت از سرزمین بت پرستان، قراردادن زن و فرزند در سرزمین خشک و بی گیاه و سرانجام دستور قربانی کردن فرزندش اسماعیل(ع)، آزمایش کرد و به شایستگی از عهده آزمایش برآمد، آنگاه لیاقت پیشوائی جهانیان را پیدا کرد و مورد خطاب انی جاعلک للناس اماماً واقع شد. و حضرت در تمامی مراحل آزمایش پیروز شد، مسیر رشد و تکامل را پیمود و از مرتبه نبوت به مقام شامخ امامت نایل گشت. (طباطبایی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۲۶۷). اهمیت این مطلب به قدری است که حتی مورد تاکید روایات نیز قرار گرفته است، به عنوان مثال امام صادق علیه السلام فرمود: «هیچ چیزی نیست که در آن دست باز گرفتن و کناره گیری، یا دست انداختن و اقدام تصور شود از هر چه خدا بدان فرمان داده یا از آن نهی کرده جز آنکه برای خدای عز و جل در باره اش آزمایش و قضاوتی است». (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۱، ۴۳۹) بنابر این؛ تکلیف و آزمایشهایی که از جانب خداوند بر بنده تحمیل می شود، برای خدای تعالی نفع و یا ضرری ندارد و هدف از آزمایش انسان، این است که او با افعال اختیاری خودش به کمال برسد. از این دیدگاه هدف نهایی، تقرّب به خدای متعال، کسب رضای او و عبودیت و بندگی وی است. طبق این مطالب می توان گفت که خدای متعال برای اینکه انسانها را به این هدف ها نزدیکتر کند و وسایل تحقق آنها را فراهم سازد، ستنهای مطلقى دارد که یکی از آنها همان سنت آزمایش و ابتلاست که در مسیر کمال انسان نهاده شده است.

۳- رابطه ابتلاء با اختیار انسان

با توجه به اینکه از یک سواخلاق، در رابطه با افعال اختیاری انسان می باشد و از سوی دیگرانسان موجودی است که فطرتاً مختار آفریده شده است، باید توجه داشته باشد که راه خودسازی این است که، رذایل را ترک و فضایل را تقویت کند. چنانچه خداوند در آیه ۳ از سوره انسان به این مطلب اشاره کرده و می فرماید: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» (ما به حقیقت راه (حق و باطل) را به انسان نمودیم حال خواهد هدایت پذیرد و شکر این نعمت گوید و خواهد آن نعمت را کفران کند).

یذکر به؛ یعنی بر مؤمن چهل شب نمی گذرد مگر آنکه خداوند او را در معرض امری قرار میدهد تا او را محزون سازد و بدین وسیله متذکر شود و در بیانی دیگر امتحان به بلاء و مصائب را عامل تنبیه و ذکر می کند به این صورت که؛ بندگان خود را که به کارهای ناشایسته مشغولند به کم شدن میوه ها و بازداشتن برکات و بستن در خزینه های نیکویی ها، می آزماید تا توبه کنند، متنبه گشته و بازگردند و گناه را از خود رانده، ترک کنند و پندگیرنده پند پذیرد و سرخرده منجر گردد نگاه گناه نکرده، به کار زشت نگراید. پس این ابتلاء و امتحان است که انسان را متنبه ساخته و از خواب غفلت بیدار می کند.

۵-۴- نقش هدایتگری

مطابق قاعده لطف برخداوند واجب است که بشر را هدایت و راهنمایی نماید و راه راست و کج را برای او، توسط اولیای الهی و پیامبران ترسیم کند تا آزمایش شونده راه را از چاه بشناسد و با قدرت خویش یکی را برگزیند چنانچه خداوند متعال در این زمینه می فرماید: «نَا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» (انسان/۳) (ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد و یا کفران کند). ظهور اعمال و افعال بدون اینکه آدمی در بوته آزمون قرار گیرد، امکان پذیر نخواهد بود. چنانچه خداوند فرعون را به منظور تأدیب به قحطی و خشکسالی دچار نموده و فرمود: «وَلَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ وَ نَقْصٍ مِّنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَذْكُرُونَ» (اعراف/۱۳۰) از بیان این آیات چنین استنباط می شود که این امتهای و این افراد قابلیت اصلاح داشته اند و در نتیجه خداوند به قصد اصلاح و هدایت، آنان را تنبیه و تأدیب می فرماید. امام رضا(ع) فرمود: «بیماری برای مومن مایه تطهیر و رحمت است و برای کافر عذاب و لعنت، و بیماری همواره گریبانگیر مومن است تا آن که دیگر هیچ گناهی در وجودش باقی نماند این آزمایش ها، به تنبیه و سرزنش پدر یا آموزگاری ماند که نیتی جز ممانعت از تکرار گناه، و در نهایت صلاح و هدایت کودک ندارد». (مجلسی ۱۳۷۶، ج ۷۸، ص ۱۹۳) پس می توان گفت، خداوند انسان را آزمایش می کند تا افعال و اعمال او پدیدار شود و بر اساس آن سزاوار کیفر و یا پاداش گردد، و از این طریق آنان را راهنمایی می کند به اینکه چه عملی نتیجه اش کیفر و چه عملی نتیجه پاداش خواهد بود تا انسان، با استفاده از قدرت اختیار و تفکری که دارد بهترین راه را انتخاب نماید.

نتیجه گیری

یکی از سنت های الهی، ابتلاء و آزمایش است که در آیات متعددی از آن سخن به میان آمده است و از زوایای مختلفی به آن نگریسته شده و همگی گویای این مطلب است که، انسان برای تکامل آفریده شده ولی برای رسیدن به این مرتبه باید مراحل را طی نماید، که از جمله آن، قرارگرفتن در بوته آزمایش است و در این میان، رفتار انسان در برخورداری از نعمت و مبتلا شدن به نعمت الهی اثر گذار می باشد. همچنین نحوه مواجهه انسان ها نیز از قبیل؛ صبر و استقامت، تسلیم و رضا تعیین کننده مسیر سیر و سلوک اخلاقی آنان به سوی کمال نهایی و سعادت آنهاست. به این صورت که: اگر کسی بتواند در حوادث ناگوار و مصائب زندگی صبور باشد و خود را گم نکند در برابر تقدیر الهی، تسلیم باشد و چون و چرا و جزع و فزع نکند، و راضی به حکمت و مصلحت خداوند باشد، در اثر تمرین و ممارست در صبوری، به مقام بی نظیر «تسلیم و رضا» دست یافته و به سیر الی الله نایل شود و با تطهیر از گناه و خالص سازی ایمان و زدودن شرک قلبی، یکی از دو طرف سعادت و شقاوت برایشان تعیین گردد. پس اگر راه سعادت را برگزید، استعدادهای نهفته او فعلیت یافته و به مرحله شکفته شدن و کمال خود می رسد، و در نهایت با رحمت الهی و سلوک اخلاقی، به سعادت انسانی خود خواهد رسید.

منابع و مأخذ

قرآن

نهج البلاغه

۱- آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و دررالکلم، مترجم: محسن موسوی، قم، دارالحديث، چاپ دوم، ۱۳۸۳

۲- ابن فارس، جلد ۱، ابوالحسین احمد؛ معجم مقاییس اللغة، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.

۳- جوادى آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن، ج ۱۷، قم، اسراء، چاپ دوم، ۱۳۸۸

۴- حرانی، ابن شعبه حسن بن علی، تحف العقول، مترجم: صادق حسن زاده، قم، آل علی (علیه السلام)، چاپ سوم، ۱۳۸۲

۵- جلد ۱، بیروت، مؤسسه الاعلمی، چاپ اول، ۱۴۲۳

۶- خمینی، روح الله، چهل حدیث، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم، ۱۳۷۱

۷- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، مفردات قرآن، جلد ۱، بیروت لبنان، دارالشامیه، چاپ اول، ۱۳۸۲

۸- زمخشری، محمود بن محمد، جلد ۱، مترجم: مسعود انصاری، قم، ققنوس، چاپ اول، ۱۳۹۱

۹- طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان، جلد ۲۰، مترجم: سید محمد باقر همدانی، بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبائی، چاپ پنجم، ۱۳۷۰

۱۰- جلد ۱ مترجم: سید محمد باقر همدانی، بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبائی، چاپ پنجم، ۱۳۷۰

۱۱- طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرين، جلد ۳، تهران، مکتب مرتضویه، چاپ اول، ۱۳۷۵

۱۲- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، جلد ۲، مترجم: علی کرمی، تهران، انتشارات فراهانی، چاپ سوم، ۱۳۸۰

۱۳- جلد ۷، تهران، انتشارات فراهانی، چاپ اول، ۱۳۶۰

۱۴- عسکری، مرتضی، عقاید اسلام در قرآن، جلد ۱، مترجم: عطاء محمد سردارنیا، تهران، منیر، چاپ اول، ۱۳۸۶

۱۵- فراهیدی، خلیل بن احمد، العين، جلد ۱، محقق: مهدی مخزومی، سامرای ابراهیم، قم، موسسه دارالهجره، چاپ سوم، ۱۴۰۹

۱۶- قمی، بابویه (شیخ صدوق)، من لا یحضر الفقیه، جلد ۱، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۶

- ۱۷- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، قم، دار الکتب، چاپ چهارم، ۱۳۶۷
- ۱۸- کلینی، محمد بن یعقوب، أصول کافی، جلد ۱، ترجمه: کمره‌ای، قم، اسوه، چاپ اول، ۱۳۷۵
- ۱۹- مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، جلد ۹، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۸۵
- ۲۰-جلد ۴، چاپ پنجم، بنیاد علمی و فرهنگی
- علامه طباطبائی، ۱۳۷۰
- ۲۱- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، جلد ۱، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دهم، ۱۳۷۲
- ۲۲- مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن، جلد ۷، انتشارات صدرا، چاپ اول، ۱۳۷۷
- ۲۳-جلد ۱، انتشارات صدرا، چاپ اول، ۱۳۷۷
- ۲۴- موسوی نسب، سید جعفر، ابتلاء و آزمایش انسان در قرآن، قم، ارزشمند، چاپ اول، ۱۳۸۵
- ۲۵- مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، جلد ۴، بیروت، دارالتراث عربی، چاپ سوم، ۱۳۷۶
- ۲۶-جلد ۷۱ بیروت، دارالتراث عربی، چاپ سوم، ۱۳۷۶
- ۲۷-جلد ۴۴، بیروت، دارالتراث عربی، چاپ سوم، ۱۳۷۶
- ۲۸-جلد ۴۵، بیروت، دارالتراث عربی، چاپ سوم، ۱۳۷۶
- ۲۹-جلد ۷۸، بیروت، دارالتراث عربی، چاپ سوم، ۱۳۷۶
- ۳۰- موسوی لاری، مجتبی، رسالت اخلاق در تکامل انسان، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۷۶
- ۳۱- میبیدی، رشیدالدین، کشف الاسرار و عده الابرار، ج ۷، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۲
- ۳۲- نراقی، مولا مهدی، علم اخلاق اسلامی، ج ۳، مترجم/ مصحح: سید جلال الدین مجتبی، تهران، انتشارات حکمت چاپ دوم، ۱۳۷۶
- ۳۳- نراقی، ملا مهدی، جامع السعادات، ج ۲، بیروت، مؤسسه الأعلمی، چاپ اول، ۱۴۰۸

